خبر

گزارش «شهروند» از هشتادوپنجمین جلسه شورای اجتماعی کشور که فقط یک وزیر در آن حضور داشت

انتقاد تند وزیر کشور از «ولنگاری مجازی»

شهروند| هشتادوپنجمین جلسه شورای اجتماعی کشور درحالی که قرار بود با حضور وزیر کشور، تصمیمات جدید درباره کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی را رسانه‌ای کند، دیروز صبح با کمترین اخبار دراین زمینه و تحت‌تأثیر اخبار مربوط به حادثه تروریستی «حله» وصحبت‌هایی درباره فضای مجازی تمام‌شد.

«عبدالرضا رحمانی‌فضلی» دراین جلسه با بیان این‌که باید با مظاهر آسیب‌های اجتماعی برخورد شود، گفت که جلسه بعدی مسئولان کشور درباره آسیب‌های اجتماعی با مقام معظم رهبری، در اردیبهشت سال بعد برگزار خواهد شد: «به طور مثال اگر درحوزه اعتیاد، معتادان متجاهر را مشاهده می‌کنیم، باید آنها را جمع‌آوری کرد، چراکه به غیر از بحث ظاهر جامعه، اعتیاد ارتکاب جرم را هم دامن می‌زند، بنابراین باید به آسیب‌های اجتماعی از همه مظاهر نگاه کرد.»

نقش دستگاه‌های مهم درحوزه فرهنگ برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی هم موضوعی دیگری بود که وزیر کشور درباره آن سخن گفت: «باید جریان‌سازی مناسبی انجام‌شود تاهمکاری اجتماعی مردم به‌نتیجه برسد، البته دستگاه‌ها باید فعالیت‌های مناسب و با برنامه‌ای تدوین کنند. همه‌دستگاه‌ها از جمله خیریه‌ها، انجمن‌ها و هیأت مذهبی باید پای کار بیایند و ظرفیت خود را برای فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی به کار ببندند، متأسفانه بعضی از دستگاه‌ها درزمینه مقابله و کاهش آسیب‌های اجتماعی برنامه‌ای تدوین نکرده‌اند یا برنامه‌ای به ما نداده‌اند تا ما آنها را به رئیس‌جمهوری و مقام معظم رهبری ارایه دهیم. دستگاه‌ها باید ظرف دوهفته آینده برنامه ۶ماهه خود را در زمینه کاهش و مقابله با آسیب‌های اجتماعی به ما ارایه دهند و برنامه‌هایی مورد پشتیبانی مالی قرار خواهند گرفت که فوق‌العاده و ملموس باشند.»

اما دراین جلسه شورای اجتماعی کشور، غیر از رحمانی‌فضلی وزیر دیگری حضور نداشت که همین مسأله گلایه وزیر کشور را به همراه داشت: «وزرا باید درجلسات شورای اجتماعی کشور شرکت کنند، اگر نتوانستند معاونان خود را به جلسات بفرستند و اگر معاونان نتوانستند شرکت کنند، درسطح معاون پایین‌تر درجلسات حضور نیابند.»

یکی دیگر از موارد مورد تأکید رحمانی‌فضلی در این نشست هم بحث فضای مجازی بود که به نظر می‌آید تحت‌تأثیر واکنش‌های صورت گرفته نسبت به سخنان برخی مقامات کشور در روزهای گذشته بیان شد. رحمانی‌فضلی دراین‌باره از لزوم برخورد دستگاه قضائی با «ولنگاری مجازی» سخن گفت: «رهبر معظم انقلاب به بحث فضای مجازی اشاره داشتند و درحال حاضر در فضای مجازی شاهد انحرافات اخلاقی و تهمت‌های سیاسی درحوزه‌های مختلف هستیم. همه آبروی خود را درخیابان‌ها در دستشان گرفته‌اند و هرکسی از دهانش چیزی بیرون می‌آید، انعکاس می‌دهد. ولنگاری و بی‌بندوباری در فضای مجازی زیاد شده که در این زمینه برخوردهای جدی باید صورت بگیرد. درحال حاضر احترام، سوابق و آبروها به بازی گرفته شده و با صحبت‌هایی که در شبکه‌های مجازی مطرح می‌شود، شخصیت‌ها را لوث می‌کنند و مردم هم می‌گویند، ما اختیار خود را به این آقایان (مسئولان) داده‌ایم، بنابراین دراین شرایط است که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی از بین می‌رود.»

او در ادامه بر لزوم ورود دستگاه قضائی و دادستان به این موضوع تأکید کرد و دراین‌باره گفت: «حتی در این زمینه لازم نیست که ما چیزی بگوییم و اقدامات لازم باید در این زمینه صورت بگیرد، حریم اخلاق، اعتبار و آبرو جزو خطوط قرمز ماست.»

پیش از این، شورای اجتماعی کشور چندین جلسه درباره آسیب‌های اجتماعی با رهبر معظم انقلاب برگزار کرد که آخرین مورد، آبان سال جاری بود و مطابق گفته‌های وزیر بهداشت، رهبری آن نشست را «مهم‌ترین جلسه نظام» دانست. رحمانی‌فضلی درسخنان دیروز خود به این نشست هم اشاره‌ای کرد و تاریخ جلسه آتی این شورا با رهبر انقلاب را اردیبهشت‌ماه سال ۹۶ اعلام کرد.

درحاشیه این جلسه، رحمانی‌فضلی درجمع خبرنگاران حاضر شد و درباره عملیات تروریستی «حله» توضیحاتی را بیان کرد: «با توجه به این‌که این عملیات تروریستی درکشور عراق انجام شده، پیگیری‌های لازم در دستور کار وزارت امور خارجه قرار گرفته است. ازسوی دیگر نیز رئیس‌جمهوری نامه‌ای دراین خصوص نوشته‌اند تا باهمکاری کشور عراق این موضوع به‌صورت دقیق مورد پیگیری قرار گیرد.»

او در ادامه درباره احتمال ضعف امنیتی که منجر به این حادثه تروریستی شد، گفت: «قبل از برگزاری مراسم اربعین اعلام آمادگی کرده بودیم که درخصوص تأمین امنیت زائران کشورمان، با کشور عراق مشارکت داشته باشیم، اما این کشور پذیرفت که امنیت را خودش تأمین خواهد کرد. در سال‌های گذشته این کار را به صورت مناسبی انجام داده شده است، اما در مسیرهای فرعی با توجه به خلأهایی که وجود داشته و با توجه به ناکامی‌ها، دشمن از این فرصت استفاده کرده و دست به عملیات تروریستی زده است.»

آخرین موضوع بیان‌شده توسط وزیر کشور درحاشیه نشست دیروز، گروه‌های تروریستی که قصد انجام عملیات در کشور دارند، بود که رحمانی‌فضلی افزایش این گروه‌ها را نادرست دانست: «نیروهای ما با سلطه خوبی که دارند، با رصد دقیق توانسته‌اند؛ گروه‌های بیشتری را شناسایی و با آنها برخورد کنند. اخیرا نیز گروه تروریستی درشرق کشور قصد انجام عملیات داشت که توسط نیروهای کشورمان شناسایی و با آنها برخورد شد.»

گزارش میدانی «شهروند» از بازار فروش سنگ قبرها

ویترین مرگ

قیمت سنگ قبرها از ۵۰۰هزار تومان شروع شده و به ۳۰میلیون تومان می‌رسد

هر کدام از افراد مشهور در بورس سنگ قبر، چندین سنگ قبر دارند؛ مثل مرتضی پاشایی، سیمین بهبهانی، عباس کیارستمی هادی نوروزی، فردین و ...

عکس‌ها: نسیم اعتمادی / شهروند

زهرا جعفرزاده| ردیف شده‌اند، مثل یک نمایشگاه عکس یا یک لباس‌فروشی؛ همان‌ها که نمونه کارهایشان را از بالای مغازه آویزان می‌کنند، روی در و دیوارها می‌زنند، روی میز می‌چینند تا مشتری ببیند، بپسندد و بخرد. ردیف‌شده‌های این بازار، این راسته علی‌آباد، اما با همه جای دیگر فرق دارد؛ آنچه به نمایش گذاشته شده و آنچه فروخته می‌شود، رنگش سیاه است؛ سیاه مثل شب، مثل رنگ پیراهن و روسری مشتریانش، مثل عکس‌های آشنایی که روی سنگ‌ها حک شده. اینجا در «علی‌آباد»، دیوار به دیوار بهشت زهرا(س)، بازار سنگ قبر است؛ بازاری پر از تصویر: «اینها را می‌بینید، این عکس‌ها، هیچ کدامشان مال آدم‌های مرده نیستند، خیلی‌هایشان را اصلا نمی‌شناسیم.» منظورش تصویر روی سنگ قبرهایی است که به یک طرف دیوار تکیه داده‌اند. مرد جوان مغازه‌دار است، ایستاده دست‌هایش را به کمر زده و آدامسش را از یک گوشه لپ، به آن طرف سُر می‌دهد. نگاهم بر تصویر دخترکی می‌ماند: «یعنی این هم زنده است؟» کمی به جلو خم می‌شود و تصویر را نگاه می‌کند: «نمی‌دانم، ما خودمان برای نمونه می‌زنیم تا مشتری ببیند. خیلی‌ها را در اینترنت پیدا می‌کنیم.» اینها مکالمه‌ای کوتاه با یکی از مغازه‌داران بازار سنگ قبر در ظهر یک روز پاییزی است؛ یکی از ده‌ها مغازه‌داری که از ۴۰، ۵۰ سال پیش، اینجا سنگ قبر می‌فروشند. مغازه‌دار بی‌حوصله است؛ این پا و آن پا می‌کند. نگاه‌های پرسشگرمان برایش بی‌تفاوت است: «مردم اغلب آخر هفته‌ها می‌آیند سنگ قبر بخرند، انتخاب‌شان هم از روی این نمونه‌هاست اما درنهایت قیمت است که حرف آخر را می‌زند. مردم اینها را می‌بینند و انتخاب می‌کنند؛ مثل منوی رستوران‌ها. یکی قیمه دوست دارد، یکی قورمه.»

قیمت‌ها از ۵۰۰هزار تومان با سنگ قبرهای ایرانی درجه دو و سه شروع می‌شود و به ۵، ۶میلیون تومان با سنگ‌های مرغوب می‌رسد و روی عدد ۳۰میلیون تومان به اوج می‌رسد؛ ۳۰میلیون تومان ناقابل برای یک سنگ مرمر صورتی، گران‌ترین سنگ قبر بازار. سنگ آهکی، ترد و رسوبی که ۹۰ درصدش فلز است. اینجا در علی‌آباد هر کاری قیمتی دارد، خط بزنند، ۵۰ تومان می‌گیرند؛ حکاکی کنند، ۲۰۰، ۳۰۰هزار تومان می‌شود؛ تصویر بزنند، ۵۰، ۶۰هزار تومان؛ خطش را رنگ کنند، ۵۰هزار تومان. اینها حداقل قیمت‌هاست، سرجمع می‌شود یک‌میلیون و ۵۰۰ تا یک‌میلیون و ۶۰۰هزار تومان. همه اینها برای یک سنگ ۱۸۰ در ۶۰ سانتی‌متر. آنهایی که تصویر خاصی بخواهند، خط منحصربه‌فردی سفارش دهند و رنگ قابل توجهی را انتخاب کنند، هزینه‌هایش به مراتب بالاتر می‌رود. مثل مشتریان سنگ مرمر یا سنگ شبق ۶میلیون تومانی که خیلی هم سخت پیدا می‌شود. می‌گویند از وقتی کارخانه‌اش را ایتالیا خریده، دیگر به این راحتی‌ها نمی‌شود خرید.

کسی هم این سنگ‌ها را سفارش می‌دهد؟

بله؛ همین چند وقت پیش بود، رئیس یک کارخانه معروفی آمد و سفارش داد، کارش حدود ۳۲میلیون تومان شد.

این سنگ‌ها را نمی‌دزدند؟ امنیت دارد؟

معمولا در قطعه‌های ۷۴ یا ۷۶ بهشت‌زهرا یا در آرامگاه‌ها یعنی همان قبرستان‌های خصوصی این سنگ‌ها را می‌زنند. این سنگ به درد جای سردسیر با بارندگی و آفتاب بیش از حد نمی‌خورد؛ شرایط خودش را دارد. کلا همه سنگ‌های بهشت‌زهرا را می‌شود به‌راحتی دزدید.

اینها را همان مغازه‌دار می‌گوید. همه سنگ‌هایش این‌قدر فاخر و گران نیستند. ایرانی و خارجی دارند. ایرانی‌ها مثل گرانیت نطنز اصفهان و گرانیت ممتاز، اینها کیفیت متوسطی دارند، سنگ‌های چینی هم هستند که به برزیلی آن را می‌شناسند، قیمت این چینی‌های معروف به برزیلی از یک‌میلیون و ۱۰۰هزار به بالا شروع می‌شود، سیاه براق است، مثل خیلی از سنگ‌هایی که در قبرستان‌ها می‌شود دید. به‌قول مغازه‌داران، تعریفی هم ندارد؛ اما خیلی فروخته می‌شود. قیمت ایرانی‌ها با چینی‌ها فرق چندانی ندارد؛ اما بین سنگ‌های ایرانی می‌شود ارزان‌تر هم پیدا کرد، مثل همان‌ها که ۵۰۰، ۶۰۰هزار تومانی است، سنگ‌های ارزانی که به گفته مغازه‌داران تضمینی نیست که یکی، دو سال بیشتر روی قبر بماند؛ باران و برف و آفتاب زود خرابش می‌کند و پوسته‌اش در می‌آید.

تصویر آدم‌های آشنا، در مغازه کناری توجه هر عابری را جلب می‌کند؛ هادی نوروزی، سیمین بهبهانی، عباس کیارستمی، شاملوو... تصاویر آنها روی سنگ قبرها حک شده، هر مغازه، سنگ قبر خاصی برای هر کدام از آنها زده است.

این سنگ قبر واقعی هادی نوروزی است؟

نه؛ برای نمونه زدیم.

خانواده نوروزی ناراحت نمی‌شوند؟

نه چرا ناراحت شوند؛ از خدایشان هم باشد، سنگ قبر به‌این قشنگی.

تا حالا شده عکس کسی را برای نمونه بزنید، بعد صاحبش پیدا شود و شاکی شود؟

نه؛ اما یک‌بار برای یک پسر جوان سنگ قبر زده بودیم، بعد از روی همان عکس یک سنگ قبر برای نمونه درست کردیم، پدرش بعد از مدتی آمد و خیلی ناراحت شد، داد و بیداد کرد، دوست نداشت عکس پسرش روی سنگ دیگری باشد. ما هم عکسش را پاک کردیم، عکس دیگری زدیم.

این را مغازه‌دار کناری می‌گوید، حق به جانب کلمات را ادا می‌کند. عکس هادی نوروزی را می‌توان با ژست‌های مختلف در همه مغازه‌ها دید. هر کدام از مغازه‌ها یک تصویری از او را بر روی سنگ‌های سیاه حک کرده‌اند؛ آنجا خیلی‌های دیگر را هم می‌توان دید، مثل داوود رشیدی که مدت زیادی از فوتش نمی‌گذرد یا حمیده خیرآبادی و مرتضی پاشایی و خسرو شکیبایی و... تصاویر، درست شبیه خود آدم‌هاست: «قبلا عکس‌ها را با دست می‌زدند، حالا با دستگاه لیزر. قبلا شباهت ۶۰درصد بود، حالا ۱۰۰درصد. این عکس‌ها قبرستان را شبیه آلبوم دیجیتالی کرده.» این را همان مغازه‌دار جوان می‌گوید و جواب تلفنش را می‌دهد. اینجا انگار نمایشگاه عکس است؛ همه سنگ‌ها تصویری دارد. رضا عابدینی پای ثابت خیلی از مغازه‌های راسته سنگ قبرفروشی علی‌آباد است؛ سنگ قبرهای سفید و رنگی با تصویر و بی‌تصویر: «این عکس همکارمان است؛ رضا مغازه سنگ‌فروشی دارد، زنده است.» این را با خنده می‌گوید. تصویر، مرد جوانی را نشان می‌دهد که روی صندلی نشسته و او را با دو واژه «هنرمند معاصر» وصف کرده‌اند. جوان متولد سال ۶۱ با تاریخ‌های فوت متفاوت. رضا عابدینی همان اطراف است، از راه می‌رسد: «خانمم بفهمد سنگ قبر دارم، مرا می‌کشد.» اینها را می‌گوید و عکاس از خودش و سنگ قبرش عکس می‌گیرد. علامت «لایک» را نشان می‌دهد: «خودم بمیرم، باید برایم سنگ مرمر بزنند. این سنگ‌ها را نمی‌خواهم.» می‌خندد.

شاگرد مغازه سنگ سیاهی را بر می‌دارد و درسته می‌گذارد جلو دست مردی که با دستگاه فرز، مقابل مغازه روی زمین نشسته: «مردم خیلی روی سنگ‌ها سلیقه به خرج می‌دهند، قبلا زیاد روی سنگ قبرها عکس نمی‌زدند، حالا خیلی‌ها این کار را می‌کنند.» شاگرد مغازه اینها را می‌گوید و می‌نشیند کنار حکاک. حکاک مرد ۳۶ای است، قبلا برقکار بوده، حالا ۷، ۸ سالی می‌شود که روی سنگ‌ها، حکاکی یا به قول خودش حجاری می‌کند، شعر و تاریخ تولد و فوت را می‌نویسد، کارش زیاد است، مشتری سفارش شعر بلند بالایی داده: «به کار خط خیلی علاقه داشتم، باجناقم اینجا را به من پیشنهاد کرد، بالاخره کسی که بخواهد روی خط کار کند، بهترین جا اینجاست، چون تیراژ کار بالاست.» اسمش «وحید» است. می‌گوید کارش مثل مرده‌شورهاست: «این کار هم بعد از مدتی عادی می‌شود.» وحید سنگ قبر خودش را هم نوشته بود: «خودم روی سنگ قبرم را نوشتم و جای تاریخ فوت را خالی گذاشتم، زنم فهمید، سنگ قبرم را شکاند.» این جمله آخر را با خنده می‌گوید. «مرتضی» کناردستی‌اش هم که فروشنده سنگ است، می‌زند زیر خنده.

وحید می‌گوید: «اینجا بهترین سنگ قبرهای کشور را می‌زنند. ما از اینجا برای همه شهرها، سنگ می‌فرستیم.» می‌پرسم: «حکاکی روی کدام مدل از این سنگ‌ها را بیشتر دوست داری؟» جواب می‌دهد: «شبق. نوشته روی شبق خیلی قشنگ می‌شود، اما لامصب سنگش گران است، ۱۰میلیون تومانی می‌شود، هر چند که ما سنگ ۶۰ میلیونی هم داشتیم که مرمر بود و نوشته رویش از فلان ماده و... اینها را مولتی‌میلیاردرها سفارش می‌دهند، همان‌ها که وقتی می‌آیند اینجا حتی از ماشین پیاده نمی‌شوند.» خنده تلخی می‌کند. می‌گوید سلیقه مردم عوض شده، قبلا ساده می‌گرفتند، الان اگر سری به بهشت‌زهرا بزنید، تنوع را می‌بینید، قبرستان پر شده از سنگ‌های ۱۰ سانتی، با خط‌های خاص و چهره‌زنی‌های خاص‌تر: «مثلا مشتری عکس مرده را می‌آورد، آرایش کرده، اصرار دارد عین همان هم روی قبر زده شود. ما می‌زنیم اما بهشت‌زهرا خودش یک مقدار روی این عکس‌ها حساس است؛ مثلا تصویر زنان با موهای بیرون آمده و آرایش کرده را ممنوع کرده.» سازمان بهشت‌زهرا برای سنگ قبرها قانون دارد؛ مثلا برای همین عکس‌ها یا ارتفاع سنگ‌ها، اما مغازه‌داران می‌گویند که «مردم قاچاقی این سنگ‌ها را می‌زنند»: «سازمان خیلی با قطعه‌های قدیمی کاری ندارد، آنجا حتی می‌توان کتیبه زد. به‌هرحال بعضی با این کارها، دلشان خوش می‌شود. برای برخی این کارها حکم آبرو دارد؛ مثلا روی سنگ را با مس یا طلا حکاکی می‌کنند، فقط همان مس نزدیک به ۷میلیون تومان می‌شود. یک مشتری هم داشتیم که روی سنگ را قلمکاری کرد. مردم می‌خواهند هر کاری از دستشان برمی‌آید برای عزیز از دست رفته‌شان بکنند. اگر این‌طور نبود که ما نمی‌توانستیم اینجانان بخوریم.» می‌گوید مردم دنبال کارهای سفارشی هستند، خط خوب، عکس خوب. کیفیت خوب.

شما با این تجملات موافقید؟

نه خیلی، اما وقتی مشتری می‌خواهد، ما انجام می‌دهیم. ندهیم، می‌رود سراغ مغازه بعدی. در همین وضع هم کار و بار کساد است.

چرا؟ آدم‌ها کمتر می‌میرند؟

نه، مثل قبل است. مردن نه زیاد شده نه کم. اما مغازه‌ها و ویزیتورهایشان زیاد شده‌اند. همین هم شده تا ما برویم سمت کارهای تجملاتی تا پول دربیاوریم. سود کارمان پایین آمده. قبلا سنگ را می‌خریدیم ۵۰هزار تومان، می‌فروختیم ۵۰۰هزار تومان. الان ۲۰۰، ۳۰۰هزار تومان می‌خریم، می‌فروشیم همان ۵۰۰هزار تومان.

اینها را می‌گوید و مشغول کار می‌شود. حکاکی‌اش رو به تمام شدن است: «این سنگ نانوپلاس است، با خط‌طی‌اش می‌شود نزدیک به دومیلیون تومان.» تاریخ فوت را خالی می‌گذارد. خیلی برایش پیش می‌آید، سنگ‌هایی که تاریخ فوت ندارد: «برخی می‌آیند برای خودشان سنگ قبر سفارش می‌دهند و جای تاریخ وفات را خالی می‌گذارند. سنگ قبر پیش ما در مغازه می‌ماند. برخی هم با خودشان می‌برند؛ مثلا مشتری داشتم، سنگ قبرش را با خودش برد آمریکا. یا یک مورد خاصی هم بود که سه سنگ قبر برایش زدند، اولین سنگ قبرش پیش ماست، مال یکی از بازیگران است، ظاهرا سه‌بار ازدواج کرده بود، هر کدام از همسرانش یک سنگ قبر برایش زدند. زن دوم، سنگ قبر سفارشی زن اول را برداشت و یکی دیگر سفارش داد. زن سوم هم سنگ قبر سفارش داد و با خودبرد خارج از کشور.» سنگ قبر اول رانشان می‌دهد. پشت سنگ قبرها پنهانش کرده. «وحید» با کارش مشکلی ندارد، اما مرتضی می‌گوید: «هر جا می‌روم می‌گویم تو کار سنگ هستم، وقتی می‌گویم سنگ قبر، مردم یک جوری نگاه می‌کنند، کارمان کلاس ندارد.» این را می‌گوید و می‌خندد.

تاریخ فوت را می‌زند و دستگاه فرز را خاموش می‌کند: «کارها قبلا هنری‌تر بود، با دست می‌زدند، الان اما کارها بازاری شده، همه‌اش با دستگاه.» از باندهای مغازه کناری، صدای آهنگ شادی می‌آید، مغازه‌داران دنیایشان را از این چهره‌ها و سنگ‌های سیاه و مشتری‌های عزادار جدا کرده‌اند. آنها فقط سنگ می‌فروشند. از جوان‌ترینشان که ۲۶ساله است درباره کارش می‌پرسم: «ما خانوادگی سنگ قبر فروشیم. همه کس‌مان در همین کار است، منم از بچگی همین جا کار می‌کنم.» پیراهنش مشکی است.

شنیده‌اید برخی از این سنگ قبرها را می‌دزدند، مثل ایرج افشار یا روی برخی از سنگ‌ها مثل سنگ غلامحسین مظلومی، باز یکن پیشکسوت استقلال، اسید ریختند. این سنگ قبرها را چه می‌کنند؟

معمولا سنگ قبرهای گران و قیمتی را می‌دزدند، می‌برند یک لایه‌اش را برمی‌دارند، می‌سایند و دوباره رویش حک می‌کنند. یا اصلا می‌فروشند. اینها قابلیت استفاده مجدد دارد.

به‌همین‌راحتی؟

بله، همه سنگ‌های بهشت‌زهرا را می‌شود دزدید. دور سنگ قبرها سیمان است، همه را می‌شود با یک پیچ گوشتی درآورد.

اینها توضیحات آقای فراهانی است. فراهانی هنگام حرف زدن، اشاره‌ای به عکاس روزنامه می‌کند: «لطفا از این سنگ عکس نگیر.» تصویر سه رخ دختر جوانی است به اسم «صبا». تاریخ فوت مربوط به دوسال پیش است. دختر جوان اگر زنده بود، باید ۳۲سالش می‌بود. او برخلاف خیلی از تصاویر آن مغازه، واقعی است. سنگ قبر، سفارش خود فراهانی است، با همان شعر غمبار و تصویر سه‌رخ. او هر روز از صبح تا شب، به سنگ زل می‌زند، «صبا» دختر مورد علاقه‌اش بود.

سنگ قبرهای این مغازه، تنوع زیاد دارد. سفید، آبی و صورتی. برخی هم مثل تابلو نقاشی است، پر از رنگ و منظره: «فقط نقاشی روی این کار حدود دومیلیون تومان هزینه دارد. همین کار را یکی سفارش داد و با خودش به نیویورک برد. مردم مدل‌های مختلف دوست دارند؛ مثلا بعضی دوست دارند بالای سنگ قبرشان کتیبه باشد، آبی از آن روان شود و گل و بوته داشته باشد. اما نصب این سنگ‌ها ممنوع است.» اشاره‌اش به کتیبه‌ای بالای یکی از سنگ‌هاست. دو گلدان و آبی که از آن جاری است، باصفایش کرده: «این کار حدود ۷میلیون تومان می‌شود، بیشتر هم استفاده مقبره‌ای دارد، چون نباید زیاد برف و باران بخورد، خراب می‌شود. برخی از سنگ‌های رنگی هم شرایط نگهداری خاصی دارند؛ مثلا اصلا نباید شسته و با دستمال تمیز شوند.» مردم بیشتر سنگ‌های مشکی را می‌پسندند، با حکاکی‌ها و تصاویر سفید، هر چند که به گفته فراهانی، شعرها و طرح‌های روی سنگ، ارتباطی هم به شغل افراد دارد: «مثلا یکی که شاعر است، یکی از سروده‌هایش را روی سنگ قبرش می‌زند، شعرهای روی سنگ قبر هم بستگی به سن صاحب سنگ دارد. پیر باشد یا جوان، زن باشد یا مرد، مادر، پدر، دختر و ... شعرهایش با هم فرق می‌کند.» دفتر شعرش را نشان می‌دهد، اشعاری از حافظ و سعدی و برخی از افراد ناشناس که در غم از دست دادن مادر، پدر، دختر، فرزند و... اشعاری سروده‌اند.

قبرستان‌ها ویزیتور دارند، کسانی که با آلبوم‌هایشان سر خاک می‌روند و نمونه کارهایشان را به خانواده‌ها نشان می‌دهند. آنها قیمت‌های ارزان‌تری نسبت به مغازه‌ها می‌دهند، همان‌هایی هستند که این مغازه‌دارها به خونشان تشنه‌اند: «الان مغازه‌های جدید، هر کدام، ۵، ۶ ویزیتور دارند. کارهایی که ویزیتورها تبلیغ می‌کنند، کیفیتی ندارد.» سفارش‌هایشان، اول پاییز کم است، باید تا اسفندماه صبر کنند: «بیشتر سفارش‌ها از ۲۰ روز مانده به عید شروع می‌شود. مردم می‌خواهند وقتی سر خاک عزیزانشان می‌روند، سنگ قبرها هم مثل لباس‌هایشان بوی نویی بدهد. تابستان هم سفارش بالاست، به خاطر هوا. دم عید، تقریبا همه قبرها سنگ دارد.» اینها را «میلاد» می‌گوید. مرد جوانی که در مغازه دوستش، سنگ قبر سیاه شکیلی دارد، رویش نوشته «خسته‌ام از جانی که گرفتار تن است.»: «وصیت کرده‌ام برایم سنگ قبر شبق ۸ سانتی بزنند.» اینها را با خنده می‌گوید و دستی به سبیل‌هایش می‌کشد: «شبق مثل آینه است.» نام مغازه‌شان شهریار است، همین هم شده تا اصلی‌ترین سنگ قبرشان، سنگ سیاهی با تصویر سفید شهریار باشد.

«رضا»، مغازه‌دار است و در هر مغازه چند نمونه از سنگ قبر خودش را زده است

«وحید»، هشت سال است که در علی‌آباد روی سنگ قبرها حکاکی می‌کند

گزارش روز

سازمان‌های محیط‌زیست و دامپزشکی می‌گویند پیگیری اعدام الاغ‌ها ارتباطی به آنها ندارد

حیوانات اهلی متولی ندارند

شهرون| باز هم تصویری از آزار غیرانسانی حیوانات منتشر شد و جنجال به پا کرد. این‌بار اما یک الاغ را به دار آویخته‌اند؛ یک حیوان اهلی اینطور که پیداست، آزاردادنش نه در حیطه وظایف سازمان حفاظت محیط‌زیست است و نه سازمان دامپزشکی کشور. تکلیف جلوگیری از آزار حیوانات اهلی درحالی روشن نیست که این اتفاق همچنان درحال تکرار است و عکس‌های منتشرشده از به دارآویختن یک الاغ و کندن پوست یک الاغ دیگر، تنها درصدی از رفتار غیراخلاقی است که ازسوی بعضی افراد اعمال می‌شود. ازسوی دیگر این شانه خالی کردن‌ها درحالی اتفاق افتاده که چندی پیش سازمان حفاظت محیط‌زیست پیگیر لایحه حمایت از حیوانات شد که هم حیوانات اهلی و هم وحشی را در برمی‌گرفت.

مدیر کل حفاظت و مدیریت شکار و صید سازمان حفاظت محیط‌زیست دیروز با انتشار این تصاویر گفت: «کشتن و پوست کندن سگ و الاغ جزو حیطه رسیدگی سازمان حفاظت محیط‌زیست نیست و این سازمان تنها متولی حیات‌وحش کشور است.» او حتی اعلام کرد که اگر پلنگی به جای این حیوان بود، سازمان حتما پیگیر این موضوع می‌شد.

علی تیموری به آنا گفت: «طبق قانون ساختار و تشکیلات سازمان حفاظت محیط‌زیست، این سازمان متولی حیات‌وحش کشور است و تنها حیواناتی که در حیات‌وحش و آنهایی که منشأ طبیعی دارند و در باغ‌وحش‌ها نگهداری می‌شوند، تحت حمایت و پوشش سازمان حفاظت محیط‌زیست است.»

تیموری با تأکید بر این که این موضوع در حیطه وظایف و مسئولیت‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست نیست، ادامه داد: «اگر سگ یا گربه‌ای در منطقه‌ای تلف شود، براساس هیچ قانونی سازمان حفاظت محیط‌زیست مکلف به پاسخگویی و حمایت نیست، اما اگر به جای الاغ، یک خرس یا پلنگ مورد تهاجم بود، آن‌وقت سازمان حفاظت محیط‌زیست پیگیری و رسیدگی می‌کرد و از روی تصاویر و فیلم‌های منتشرشده پس از نامه‌نگاری با پلیس فتا و مراجع قضائی متخلفان را شناسایی و دستگیر می‌کردیم.» به گفته او وزارت بهداشت، شهرداری، شبکه بهداشت، نیروی انتظامی، وزارت کشور و دامپزشکی است که «باید حتما این موضوع را پیگیری کنند.» با این حال سازمان دامپزشکی هم از این ماجرا شانه خالی می‌کند. مسئول روابط عمومی این سازمان با ابراز تأسف از وقایع اینچنینی به «شهروند» می‌گوید: «حیطه وظایف سازمان دامپزشکی کشور حول پیشگیری از بیماری و مبارزه با بیماری‌های دامی است، اما در رابطه با آزار حیوانات همیشه از انجمن حمایت از حیوانات کمک می‌گیریم.» کریمی ادامه می‌دهد: «در رابطه با اعمال رفتار غیرانسانی گزینه‌ای در سازمان دامپزشکی وجود ندارد و در حیطه وظایفش دیده نشده است.» نرگس روحانی، عضو انجمن حمایت از حیوانات ایران اما در گفت‌وگو با «شهروند» می‌گوید: «طبق قانون جهانی حمایت حیوانات سازمان محیط‌زیست متولی همه جانوران اعم از شهری و وحشی و دامپزشکی متولی بیماری همه حیوانات است.» این فعال محیط‌زیست ادامه می‌دهد: «عجیب است که همه شانه خالی کرده‌اند، درحالی که زمانی همین سازمان محیط‌زیست بعد از اعتراضات به کشتن سگ‌ها، پیگیر قانون حمایت از حیوان آزاری شد.»

آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک اهواز

نظر به اینکه در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر با رأی شماره ۳۰۰۴۶۱۱-۱۳۹۵-۰۸/۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۵تصرفات آقای/ خانم عزیز سعادتی کیا به شماره شناسنامه ۳۰۳۴ صادره ازاهواز فرزند عباس دارای کد ملی شماره ۱۷۵۲۸۴۶۰۷۹ نسبت به یک باب ساختمان به مساحت ۱۷۲/۴۸ مترمربع قسمتی از ششدانگ پلاک۱۹۳۷/۲ بخش دو اهواز اخبار خروجی از مالکیت محمد نقشینه منجر بصدور رأی گردیده لذا برابر ماده ۳ قانون مزبور مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز جهت اطلاع عموم آگهی می گردد تا هر کس نسبت به تصرفات مفروزه و مالکیت ایشان اعتراض داشته باشد از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک اهواز تسلیم و رسید دریافت نمایند و معترض مکلف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست به مقامات قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست اخذ و به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر اداره ثبت برابر مقررات اقدام بصدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۳۹۵/۰۹/۰۷
شیخ زاده
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۵/۰۹/۲۳
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ اهواز
شماره مجوز: ۵/۳۶۲۳

ویژه

ادامه فعالیت های بانک مسکن در مدرسه سازی افتتاح مدرسه شهدای بانک مسکن در استان لرستان

روابط عمومی بانک مسکن از افتتاح مدرسه شهدای بانک مسکن در روستای علی آباد از روستاهای شهرستان نورآباد استان لرستان خبرداد. بر اساس این گزارش، در مراسم افتتاح این مدرسه ، امام جمعه شهرستان نورآباد طی سخنانی ضمن قدردانی از عملکرد بانک مسکن در مدرسه سازی گفت : دانش آموزان امروز مدیران و متخصصان فردای کشور هستند و بهره مند ساختن کودکان و نوجوانان ایران از امکان تحصیل در مدارس دارای فضای آموزشی مناسب، مسیر حرکت کشور برای استقلال و پیشرفت را هموارتر می کند . کاظمی رییس آموزش و پرورش شهرستان نورآباد نیز طی سخنانی از بانک مسکن به دلیل فراهم کردن فضای آموزشی مناسب برای این منطقه محروم تجلیل کرد . صید نبی حیدریان مدیر شعب بانک مسکن استان طی سخنانی با اشاره به فعالیت گسترده بانک مسکن در امور خیریه گفت: بانک مسکن در کنار فعالیت های اقتصادی توجه ویژه ای نیز به امور خیریه عام المنفعه دارد .